

عنوان مقاله:

گفتمان کاوی دو متن قانون اساسی ایران در قرن بیستم و رابطه آن با قدرت

محل انتشار:

فصلنامه زبان پژوهی، دوره 12، شماره 35 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 36

نویسندگان:

ژاله حساس خواه - گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه گیلان - رشت - ایران

معصومه ارجمندی - گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رشت

خلاصه مقاله:

این پژوهش، با روشی مقابله ای و انتقادی بر آن است تا به واکاوی ایدئولوژی پنهان قدرت، در لایه های گفتمانی متن حاصل از دو قانون اساسی مرتبط با حقوق ملت بپردازد. این دو قانون مشتمل بر قانون جمهوری اسلامی (1358 هجری شمسی، 1979 میلادی) و قانون اساسی مشروطه (1285 هجری شمسی، 1906 میلادی) هستند. به این منظور، 17 سازه استدلالی-گفتمانی (گزینش واژه ها و تعبیرات خاص از طریق نام دهی) با استناد به آرای انتقادی فرکلاف (Fairclough, 2015)، ون لیون (Van Leeuwen, 2008) و مشخصه های بافت محور هایمز (Hymes, 1974) در دو متن حقوقی، تفسیر و تبیین گردیدند. در این پژوهش، مولفه های معنا جامعه شناختی مستخرج از دو متن قانون اساسی و مشروطه از طریق اعمال فرمول مجذور خی از جنبه کمی مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه این بررسی نشان داد که در میزان بهره گیری از مولفه های طرد، جذب و زیرشمول های آن ها در بازنمائی ایدئولوژی پنهان قدرت بین دو قانون اساسی، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، بر پایه تحلیل کیفی بین صورت بندی های ایدئولوژیک و طبیعی شدگی مناسبات قدرت، از طریق لایه های صوری زبان، ارتباطی دوسویه برقرار است. بنابراین، در فرایند تحلیل انتقادی این دو متن، به واسطه ساخت ایدئولوژیک استنتاج شده از دو متن حقوقی، میزان آگاهی بخشی، قدرت دهی و روابط نابرابر قدرت، از طریق بازنمائی سازه های استدلالی-گفتمانی، به دست می آید.

کلمات کلیدی:

سازه های استدلالی-گفتمانی، تحلیل گفتمان انتقادی- حقوقی، صورت بندی های ایدئولوژیک قدرت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1043322>

